

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نياشت تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهيم

بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهيم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

استاد محمد نسیم «اسیر»
فرانکفورت، اکتوبر ۲۰۰۲م

مردانه سوختن

گفتی بسوز ، با دل دیوانه سوختم
سامانه ای نبود به سوز جنون من
از من می‌رس ، از چه و بهر چه، در کجا
غربتسرای دهر چه بیگانه خصلت است
آتش زدی چو شمع به جان حزین من
خاکسترم به گوشه دامن تو نشست
ویرانیت مباد ، اگر چه من از فراق
باشم راز گفتم و آتش به جان زدم
بی خود شدم ز گرمی چشم سیاه تو
رمز خیال باده و پیمانه سوختم
مست آمدم که پنجه به گیسوی او زنم
بر شانه دست بردم و تا شانه سوختم
از دیده اشک ریختم و آب شد دلم
از بس به یاد آن بت دُر دانه سوختم

گشتم «اسیر» دام ، تو هم بیخبر که من
بی آب تاب خوردم و بی دانه سوختم